

مقدمه‌ای بر روند

نظام شهری در ایران

از: دکتر حسن بیک محمدی
استادیار دانشگاه اصفهان

پیشگفتار

در تاریخ زندگی بشر، شهر و مکانهای شهری به عنوان یک ضرورت غیر قابل اجتناب تلقی می‌شوند و نسبت به دوران حیات بشر پدیده اجتماعی نسبتاً جدیدی به حساب می‌آیند که سابقه آنها به کمتر از ۷ تا ۹ هزار سال می‌رسد. (۱).

از آنجاییکه در تمام طول این دوران سرعت جابجایی و حرکت انسان به حیوانات وابسته بوده‌است، در خلال این مدت تحولات چشمگیری در زندگی بشر صورت نگرفته و شهرنشینی نیز در این ارتباط تغییرات عمده را نداشته است، به عبارت دیگر بجز تحول و تکامل شهرها در رابطه با سبک شهری یا تغییرات آنها در زمینه ساخت کالبدی که آن هم به صورت آرام و بطئی از زمان پیدایش یا ایجاد آنها تا دوران قبل از انقلاب صنعتی صورت گرفته، دگرگونی عمده‌ای را در آنها نمی‌توان دید، لذا گرایش شدید شهرنشینی به بعد از انقلاب صنعتی برمی‌گردد.

این گرایش ابتدا در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته و سپس در جهان در حال توسعه ادامه یافت و امروزه سرعت این روند در کشورهای جهان سوم بیش از کشورهای پیشرفته است. انگلستان اولین کشوری بود که با نقل و انتقالات شهری و گرایش به سمت شهرنشینی روبرو شد.

جمعیت شهرنشین دنیا در سال ۱۹۲۰ م معادل ۱۹/۴ درصد و در ۱۹۸۵ م برابر ۴۲ درصد بوده است. این نسبت در سال ۲۰۰۰ م از ۵۱ درصد خواهد گذشت. شایان توجه است که بیشتر این رشد مربوط به کشورهای است که از نظر اجتماعی و اقتصادی توسعه نیافته‌اند، برای مثال میزان شهرنشینی این کشورها در همین مدت از ۸/۴ درصد به ۴۲/۵ درصد می‌رسد و در طی مدت ۸۰ سال به بیش از ۵ برابر افزایش خواهد یافت. (۲).

بدیهی است این سرعت شهرنشینی که بیشتر ناشی از مهاجرت روستاییان، رشد طبیعی جمعیت و تبدیل تعدادی از روستاها به مراکز شهری می‌باشد علاوه بر افزایش شمار شهرها و پیدایش شهرهای بزرگ، مشکلات زیادی چون عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، مسایل پیچیده اقتصادی و اجتماعی شهرها و تغییرات در شبکه و نظامهای شهری

را ایجاد خواهد کرد. (۳).

علاوه بر آن رشد سریع جمعیت در اغلب شهرهای بزرگ و پایتختهای کشورهای در حال توسعه، مادرشهرهای^۱ بزرگی را به وجود می‌آورد که جمعیت اغلب آنها بیشتر از ۱۰ میلیون نفر خواهد بود، مرکز مطالعات جمعیت شناسی سازمان ملل پیش‌بینی کرده است که تا پایان دهه ۱۹۹۰ م افزون بر ۳۲۳ میلیون نفر در این مراکز زندگی خواهند کرد که یکی از آنها تهران با جمعیت ۱۰ میلیون نفر خواهد بود. (۴). وقتی یک شهر، در گوشه‌های مختلف و به اشکال گوناگون شکل می‌گیرد و به تدریج جا می‌افتد، آنگاه حصار از مقاومتهای کالبدی، اجتماعی و اقتصادی به دور آن کشیده می‌شود که تغییر در آن در جهت نیل به سرعت و سهولت ترافیکی یا غیر ممکن و یا از حیث اجتماعی بسیار گران تمام می‌شود و اغلب متضمن درهم ریختگی زندگی مردم و ایجاد نارضایتیهاست. (۵).

کشور ایران نیز در چند دهه اخیر به علت مهاجرت‌های روستایی و در جهت افزایش تعداد شهرها و تبدیل برخی از آنها به شهرهای بزرگ، دچار تغییرات و تحولاتی شده که نتیجه آن ناهماهنگی در پراکندگی مراکز شهری، تمرکز شدید جمعیت در برخی از شهرها، ناموزونی در نظام و شبکه شهری و بالاخره عدم تعادل در نظام سلسله مراتبی شهری بوده است، لذا جهت جلوگیری از مشکلات فراوان اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و اکولوژیکی شهرهای بزرگ، بررسی کمی و کیفی این شهرها و لزوم بازنگری در برنامه‌ریزی آنها، از اهمیت زیادی برخوردار است.

بدیهی است در پیدایش این عدم تعادل و ناهماهنگی، در عین حال که نقش عوامل زیست محیطی و تباین شرایط طبیعی را به عنوان بستر جغرافیایی نمی‌توان فراموش کرد، اثر مسائل سیاسی، اقتصادی را نیز نباید از نظر دور داشت.

تعاریف و مفاهیم

امروزه نفوذ عوامل متعدّد باعث بوجود آمدن نقاط نقل و شبکه‌ای از مکانهای مرکزی یا شهرهای بزرگ و کوچک شده که نقاط اطراف خود را

به طور شدید تحت نفوذ قرار داده است. (۶). مراکز شهری هر کشور به تبع شرایط جغرافیایی و تحت تأثیر مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در یک نظم فضایی، شکل گرفته‌اند که می‌تواند از ابعاد کمی و کیفی یا به عبارت دیگر از جهات تعداد جمعیت و نقش و عملکرد، طبقه‌بندی شوند. سلسله مراتب شهری نوعی رده‌بندی و پشت‌سرهم آوردن منظم مراکز شهری است که برحسب اهمیت و براساس عوامل کمی و کیفی صورت گرفته، و بر مبنای تعداد جمعیت و مرتبه منظم شده‌اند. البته پیرزور عقیده دارد که سلسله مراتبی که مبتنی بر شماره تعداد ساکنان شهر ترسیم شود نمی‌تواند سیمای کاملاً روشنی از سلسله مراتب شهری به دست دهد، لذا بر این مبنای توصیه می‌کنند که سلسله مراتب شهری را به اتکاء ماهیت عملکرد شهرها باید مشخص کرد. (۷).

ضمناً نظم فضایی شهرها در یک فضای جغرافیایی و تحت تأثیر پدیده‌های طبیعی و انسانی «شبکه شهری» نامیده می‌شود، به عبارت دیگر در هر ناحیه مراکز شهری در عین حال که در حاله‌ای از مراکز روستایی احاطه شده‌اند به صورت حلقه‌های زنجیر به یکدیگر پیوسته بوده و در یک کادر جغرافیایی، پراکندگی فضایی ویژه‌ای از مراکز شهری را در سطح ناحیه‌ای، منطقه‌ای و ملی نمایان می‌سازند.

در نظام سلسله مراتب شهرهای یک کشور، غالباً یک مکان شهری به لحاظ ویژگیهای خاص خود در بالاترین مرتبه سلسله مراتب شهری قرار می‌گیرد، این شهر که در واقع بزرگترین شهر یک کشور و اغلب پایتخت و مهمترین نماینده فرهنگ ملی آن محسوب می‌شود «**نخست شهر**»^۲ نامیده می‌شود. شایان ذکر است که Jefferson جغرافیدان بزرگ آمریکایی و متخصص در جغرافیای جمعیت برای اولین بار این الگوی نظام شهری را «**نخست شهری**» نامیده است. (۸).

نظام شهری ایران در سال ۱۳۳۵ ه. ش

در سال ۱۳۳۵ هـ ش جمعیت کشور ۱۸,۹۵۴,۰۰۰ نفر بوده که از این میزان ۳۱/۴ درصد در شهر و ۶۸/۶ درصد در روستا سکونت داشته‌اند. تعداد کل مراکز که بیشتر از ۵ هزار نفر جمعیت داشته و نقاط شهری محسوب شده‌اند ۱۹۹ مرکز بوده است (به جدول ۱ رجوع شود). ویژگیهای مهم نظام شهری و طبقات جمعیتی شهرهای ایران در این سرشماری به قرار زیر است.

۱) شهر تهران ۲۵/۲ درصد از جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده و با ۱,۵۱۲,۰۰۰ نفر جمعیت به تنهایی با ۱۴۶ نقطه شهری ۵ هزار تا ۲۵ هزار نفری برابری کرده است.

۲) در فاصله تهران با شهرهای کمتر از ۵۰۰ هزار نفری هیچ شهری دیده نمی‌شود.

۳) حدود ۵۰ درصد جمعیت کشور در شهرهای کمتر از ۱۰۰,۰۰۰ نفری سکونت داشته‌اند.

۴) نظام سلسله مراتبی متعادل نبوده و از نظم خاصی تبعیت نکرده است.

۵) موقعیت جمعیتی تهران در مقابل شهرهای دیگر نمایانگر الگوی نخست شهری است (به جدول ۲ و نمودار ۲ رجوع شود).
۶) ضریب جینی تراکم جمعیت به نسبت تعداد شهرها ۳۸ درصد است (به نمودار ۱ رجوع شود).

نظام شهری در سال ۱۳۴۵ ه. ش

در سال ۱۳۴۵ ه. ش ایران ۲۵,۷۸۸,۰۰۰ نفر جمعیت داشته است که ۳۸/۷ درصد آن شهری بوده و در ۲۷۱ شهر سکونت داشته‌اند و ویژگیهای مهم نظام شهری آن به شرح زیر است.

۱) شهر تهران با ۲,۷۲۰,۰۰۰ نفر جمعیت ۲۷/۸ درصد از جمعیت کشور (۲/۵ درصد بیشتر از سال ۱۳۳۵ ه. ش) را به خود اختصاص داده و به عنوان شهر نخستین، با برتری کامل و با فاصله خیلی زیاد نسبت به شهر دوم (شاخص ۶/۶) الگوی نخست شهری خود را حفظ کرده است.

۲) در حالی که در فاصله شهرهای بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر تا تهران هیچ شهری دیده نمی‌شود، تعداد شهرهای ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفری نسبت به دهه گذشته ۲/۵ برابر افزایش یافته و سهم آن‌ها نیز از ۹/۱ درصد به ۱۸/۲ درصد رسیده است. (به جدول ۲ رجوع شود).

۳) تعداد شهرهای ۵ تا ۲۵ هزار نفری به ۱۹۰ شهر افزایش یافته ولی سهم آنها به ۱۹/۱ درصد کاهش یافته است و ملاحظه می‌شود که شهر تهران به تنهایی بیش از ۲۰۰ شهر کمتر از ۲۵ هزار نفری کشور جمعیت دارد (به جدول ۲ رجوع گردد).

۴) ضریب جینی تراکم جمعیت به نسبت تعداد مراکز شهری به ۳۲ درصد افزایش یافته است. (به نمودار ۱ رجوع گردد).

نظام شهری در سال ۱۳۵۵ ه. ش

در سال ۱۳۵۵ ه. ش سومین سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران انجام شد، در این سال جمعیت کشور برابر ۳۳,۷۰۸,۷۴۴ نفر بود که از این میزان ۴۷ درصد در شهر و ۵۳ درصد در روستا زندگی می‌کرده‌اند، میزان شهرنشینی در فاصله سالهای ۴۵ تا ۵۵ با سرعت زیادی ادامه داشته و از ۳۸/۷ درصد به ۴۷ درصد رسیده و تعداد مراکز شهری از ۲۷۲ به ۳۷۳ شهر افزایش یافته است (به جدول ۲ رجوع شود).

در این ارتباط عوامل مختلفی تأثیر داشته که مهمترین آن‌ها یکی تغییر ملاک و ضابطه شهر بودن^۳ و دیگری افزایش درآمد نفت بوده است، ضمناً چون این درآمد اغلب به مصرف مراکز شهری رسیده، مهاجرت بیشتر روستاییان به شهرها را به دنبال خود داشته است. ویژگیهای مهم نظام و سلسله مراتب شهری در این سرشماری عبارتند از:

۱) شهر تهران با ۴,۵۳۰,۲۲۳ نفر جمعیت از شرایط ویژه برخوردار بوده، تنها کلان شهر یا متروپل ملی را تشکیل داده و به تنهایی ۲۸/۶ درصد جمعیت شهری کشور را در خود جای داده است (به جدول ۲ رجوع شود).

۲) شهرهای مشهد، اصفهان و تبریز به عنوان شهرهای بزرگ و



جدول (۱): تعداد، جمعیت و سلسله مراتب شهرهای ایران در سرشماریهای سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ ه. ش

ردیف	سالهای سرشماری	تعداد جمعیت شهری	درصد جمعیت به کل کشور	تعداد شهر	کلان‌شهر + ۱۵۰,۰۰۰	شهر بزرگ ۵۰,۰۰۰ تا ۱۵۰,۰۰۰	شهر متوسط ۱۰,۰۰۰ تا ۵۰,۰۰۰	شهر کوچک ۲۵,۰۰۰ تا ۱۰۰,۰۰۰	روستاهای کمتر از ۲۵,۰۰۰
۱	۱۳۳۵	۵,۹۹۷,۱۶۱	۳۱/۴	۱۹۹	۱	-	۸	۳۱	۱۵۹
۲	۱۳۴۵	۹,۷۱,۲۶۲	۳۹	۲۷۲	۱	-	۱۳	۴۵	۲۱۳
۳	۱۳۵۵	۱۵,۸۵۲,۶۸۰	۲۷	۳۷۳	۱	۳	۱۹	۴۷	۵۲۸۳
۴	۱۳۶۵	۲۶,۲۵۲,۸۹۲	۵۴/۳	۴۹۶	۱	۷	۳۳	۱۱۳	۳۳۳
۵	۱۳۷۰	۳۱,۸۳۶,۵۸۸	۵۷	۵۱۴	۲	۶	۳۹	۱۳۹	۳۲۸

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن؛ مهرماه ۱۳۶۵؛ نتایج عمومی آمارگیری جمعیت، سال ۱۳۷۰ ه. ش مرکز آمار ایران؛ زنجان، حبیبی... و رحمانی، فریدون، واهمانی جمعیت شهرهای ایران، وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۶۸.

جدول (۲): طبقات جمعیتی شهرهای ایران از سالهای مختلف (ارقام به هزار)

ردیف	طبقات جمعیت شهرها	۱۳۳۵		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		
		تعدادشهر	جمعیت درصد	تعدادشهر	جمعیت درصد	تعدادشهر	جمعیت درصد	تعدادشهر	جمعیت درصد	
۱	تهران	۱	۱۵۱۲	۲۵/۲	۱	۲۷۲۰	۲۷/۸	۱	۲۵۳۰	۲۲/۳
۲	۵۰۰ هزار نفر و بیشتر	-	-	-	-	-	-	۷	۱۲/۱	۲۲/۳
۳	۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر	۲	۵۴۵	۹/۱	۵	۱۷۸۰	۱۸/۲	۸	۸/۵	۸/۳
۴	۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفر	۶	۹۹۲	۱۶/۵	۸	۱۶۸۰	۱۱/۹	۲۵	۱۳/۶	۱۳/۵
۵	۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر	۹	۶۳۳	۱۰/۶	۱۵	۱۰۶۸	۱۰/۹	۲۶	۹/۷	۱۲/۲
۶	۲۵ تا ۵۰ هزار نفر	۲۲	۷۶۵	۱۲/۸	۳۰	۱۰۸۱	۱۱	۶۷	۹/۷	۸/۶
۷	۲۵ تا ۵۰ هزار نفر	۱۲۶	۱۵۰۱	۲۵	۱۹۰	۱۸۶۸	۱۹/۱	۲۵۹	۱۷/۲	۱۱/۶
۸	کمتر از ۵۰ هزار نفر	۱۲	۲۷	۰/۸	۲۳	۷۵	۰/۸	۸۳	۰/۱	۱
	کل	۱۹۹	۵۹۹۷	۱۰۰	۲۷۲	۹۷۹۰	۱۰۰	۳۷۳	۱۵۸۵۵	۱۰۰

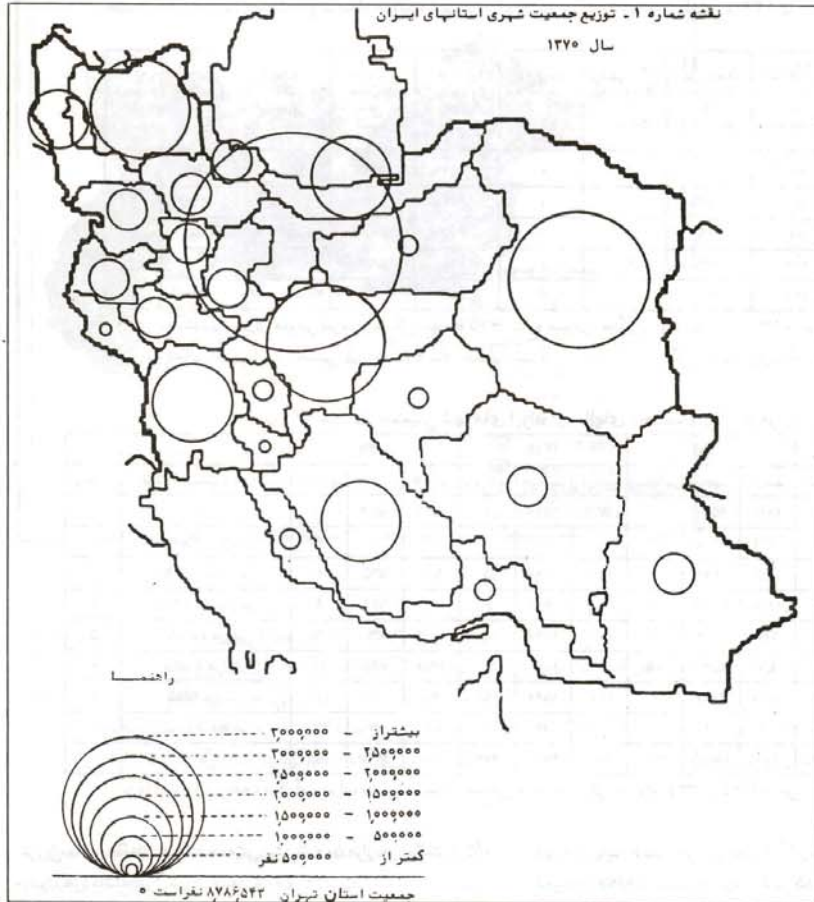
مأخذ: سازمان برنامه، مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن، سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ ه. ش.

شهرهای پایین دست خود نزدیکتر است، ضمناً شاخص شهری تهران به شهر دوم ۶/۷۸ و نسبت به سومین شهر ۶/۸۵ می‌باشد. وجود چنین ویژگی از نظام و سلسله مراتب شهری بازگوکننده الگوی «نخست شهری» است (به نمودار ۲ رجوع شود).
۷) ضریب جینی تراکم جمعیت به تعداد مراکز شهری به ۲۸ درصد رسیده و عدم تعادل نسبت به قبل بیشتر شده است. (به نمودار ۱ رجوع شود).

نظام شهری در سال ۱۳۶۵ ه. ش

در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۶۵ ه. ش جمعیت کشور ۴۹,۴۴۵,۰۱۰ نفر بوده که ۵۴/۳ درصد آن شهری، ۴۵/۳ درصد روستائین و ۵ درصد بقیه غیر ساکن بوده است. (۹). ویژگیهای مهم نظام شهری ایران در این سرشماری عبارتست از:
۱) در این سرشماری تهران که یک مرکز بزرگ صنعتی و نیز

متروپل های منطقه‌ای هریک جمعیتی بیش از ۵۰۰ هزار نفر (و کمتر از ۱/۵ میلیون نفر) داشته‌اند.^۴
۳) تعداد شهرهای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری از ۱۳ شهر در سال ۱۳۴۵ ه. ش به ۱۹ شهر در سال ۱۳۵۵ ه. ش رسیده و نسبت آنها از ۳۰ درصد به ۲۲ درصد کل شهرهای ایران کاهش یافته است.
۴) شهرهای ۱۰۰ تا ۲۵۰ هزار نفری کشور ۶۷ شهر است که ۱۸ درصد شهرهای ایران می‌باشند.
۵) مراکز شهری کمتر از ۲۵ هزار نفری جمعاً ۲۸۳ شهر بوده که معادل ۷۵/۸ درصد کل شهرهای ایران است.
۶) شهر مشهد با ۶۶۷,۷۷۰ نفر جمعیت به عنوان دومین شهر ایران تنها ۴/۲ درصد از جمعیت شهری را به خود اختصاص داده است در حالی که این نسبت برای تهران ۲۸/۶ درصد است.
موقعیت مشهد در مقیاس لگاریتمی سلسله مراتب شهری ایران نشان می‌دهد که نسبت به تهران فاصله زیادی داشته، ولی نسبت به



۴) تعداد شهرهای ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفری کشور ۱۱۳ شهر بوده و بقیه مراکز شهری کمتر از ۲۵ هزار نفری در قالب ۳۴۲ روستا - شهر، جمعاً ۱۲/۶ درصد جمعیت شهری کشور را تشکیل داده‌اند (به جدول ۲ رجوع شود).
۵) عدم تعادل در توزیع جمعیت به نسبت مراکز شهری به حداکثر آشننگی خود رسیده و ضریب جینی آن به ۲۵ درصد افزایش یافته است. (به نمودار ۱ رجوع شود).

نظام شهری در سال ۱۳۷۰ ه. ش

در سال ۱۳۷۰ ه. ش جمعیت شهری ایران به ۳۱,۸۳۶,۵۹۸ نفر افزایش یافته که معادل ۵۷/۰۲ درصد جمعیت کشور است. دیگر ویژگیهای مهم نظام شهری ایران در این سرشماری عبارتند از:

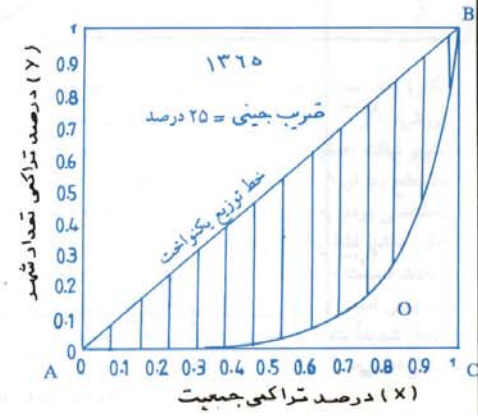
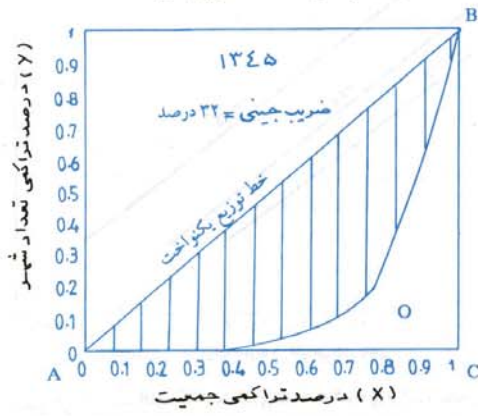
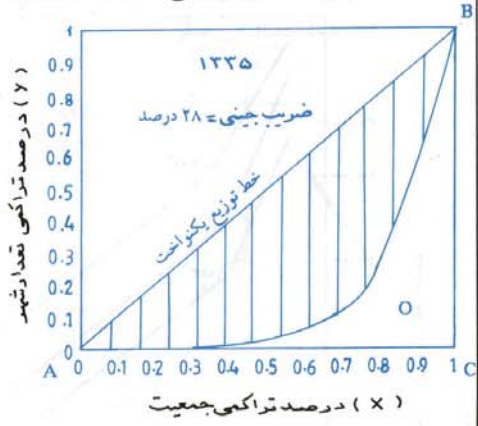
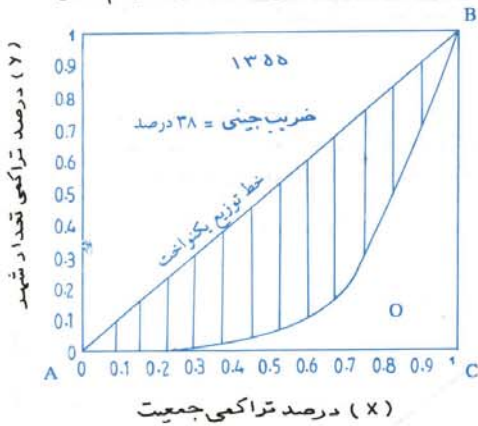
پایتخت ایران است به عنوان بزرگترین شهر کشور و یکی از شهرهای چند میلیون نفری جهان، ۶,۰۴۲,۵۸۴ نفر جمعیت داشته که سهم آن نسبت به سال ۵۵ به ۲۲/۵ درصد جمعیت شهری کاهش یافته است. (۱۰).

۲) بعد از تهران هفت شهر مشهد، اصفهان، تبریز، شیراز، اهواز، کرمانشاه و قم (هریک با بیش از ۵۰۰ هزار نفر) در مجموع با ۶,۰۱۵,۰۰۰ نفر ۲۲/۳ درصد از جمعیت شهری کشور را به خود اختصاص داده‌اند، لذا ملاحظه می‌شود که کلان شهر بزرگ ایران به تنهایی معادل ۷ شهر بزرگ کشور جمعیت دارد. (به جدول ۲ رجوع شود).

۳) در این سرشماری ۳۳ شهر متوسط ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفر وجود داشته است که جمعیت آن‌ها تقریباً برابر ۷ شهر فوق الذکر و با جمعیت شهر تهران بوده و جمعاً ۲۲/۵ درصد از جمعیت شهری کشور را دارند.



نمودار شماره ۱ - نمایش توزیع جمعیت شهری ایران در سالهای مختلف توسط منحنی لوزن و ضریب تراکم جینی



حدافل ضریب صفر و حداکثر آن یک است، بدیهی است هرچه این ضریب به یک نزدیکتر باشد، توزیع یکنواخت تر است و هرچه به صفر نزدیکتر باشد عدم یکنواختی بیشتر مشاهده می شود.

● ضریب تراکمی جینی = نسبت مساحت زیر منحنی (O) کل مثلث (ABC)

رتبه سوم، تبریز با ۱۰۸۸۹۹۸۵ نفر رتبه چهارم و بالاخره شهرهای شیراز، اهواز، کرمانشاه و قم هریک جمعیتی بین ۵۰۰ هزار تا ۱ میلیون نفر در مرتبه بعدی قرار دارند. (۱۱).

(۱) در فاصله سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۰ ه. ش سهم جمعیتی شهر تهران از ۲۲/۵ درصد کل جمعیت شهری کشور به ۲۰/۳ درصد کاهش یافته است، البته باید توجه داشت که کنترل رشد شهر تهران به میزان ۲/۱۵ درصد به مفهوم کنترل رشد جمعیت منطقه شهری تهران نمی باشد چون در همین مدّت شهرکهای اطراف این شهر از جمله کرج، مهرشهر، اسلام شهر و... همچنان به رشد بادکنکی خود ادامه می دادند.

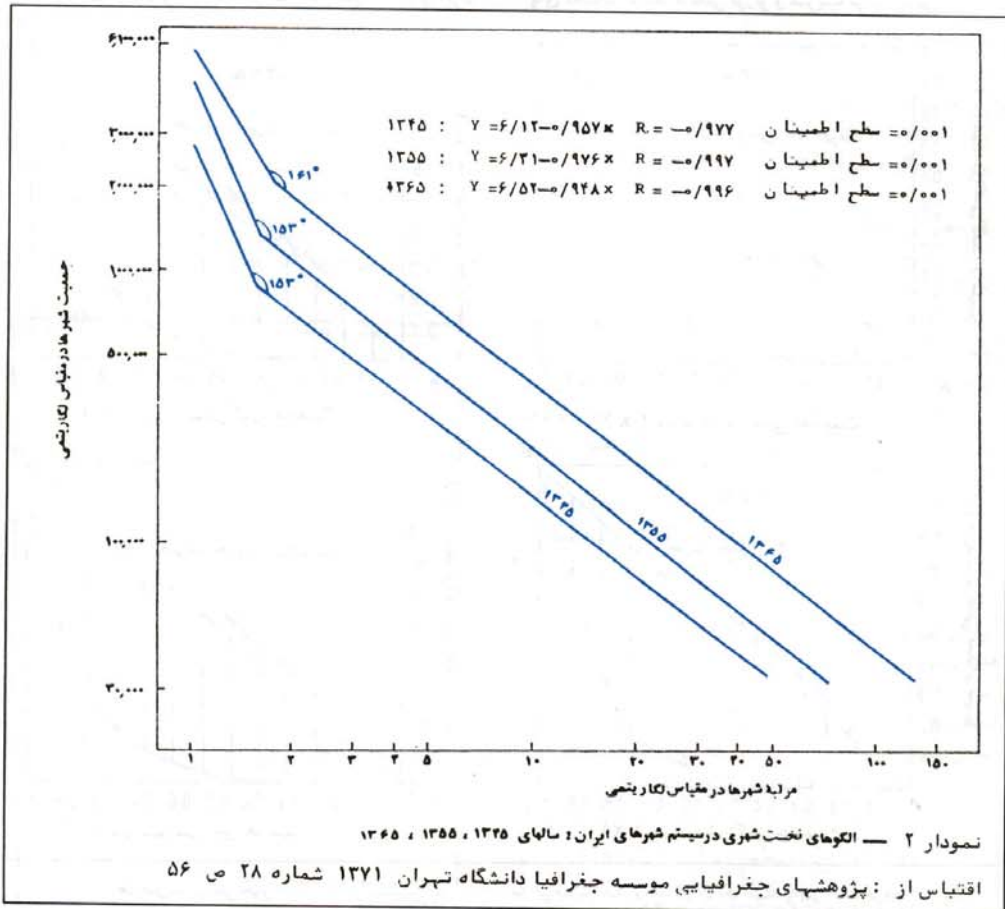
(۴) تعداد شهرهای ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار نفری کشور تغییر محسوسی داشته و از ۳۳ شهر در سال ۱۳۶۵ ه. ش به ۳۹ شهر در سال ۱۳۷۰ ه. ش رسیده است.

(۲) تعداد کل مراکز شهری از ۴۹۶ شهر در سال ۱۳۶۵ ه. ش به ۵۱۴ شهر در سال ۱۳۷۰ ه. ش رسیده و در مدّت ۵ سال ۱۸ شهر اضافه شده است (به جدول ۱ رجوع شود).

(۵) شهرهای ۲۵ تا ۱۰۰ هزار نفری ایران به ۱۳۹ شهر (۲۷ درصد شهرهای ایران) افزایش یافته اند.

(۳) در سال ۱۳۷۰ ه. ش شهر تهران با ۶،۴۷۵،۵۲۷ نفر جمعیت رتبه اول، مشهد با ۱،۷۵۹،۱۵۵ نفر رتبه دوم، اصفهان با ۱،۱۲۷،۰۳۰ نفر

(۶) در این سرشماری ۳۲۸ نقطه شهری، جمعیتی کمتر از ۲۵۰۰۰ نفر داشته است که در مجموع نزدیک به ۶۴ درصد از مراکز شهری ایران را شامل می شود (به جدول ۱ رجوع شود).



عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت را در سیستم شهری ایران ایجاد کرده است.

● اگر چه در مقایسه تعداد و مرتبه شهرها در دوره‌های مختلف آمارگیری در شهرهای بزرگ گرایش محسوس در جهت حد مطلوب دیده می‌شود ولی منحنی سلسله مراتب شهری با نظام رتبه - اندازه Zipf فاصله زیادی دارد.

● بین سطوح بالا و پایین سلسله مراتب شهری اختلاف زیادی دیده می‌شود.

● در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ ه.ش تعداد شهرهای کلان و بزرگ به ۸ برابر افزایش داشته و از ۱ به ۸ شهر رسیده است. در حالی که تعداد روستا - شهرهای کمتر از ۲۵ هزار نفری تنها ۲ برابر شده است. (به

تحلیل نظام و سلسله مراتب شهری در سالهای مورد مطالعه

با توجه به مطالب ارائه شده در مورد نظام شهری ایران و آمار شهری مربوط به پنج دوره آمارگیری و با عنایت به مندرجات جداول و نمودارها، از مقایسه نظام و سلسله مراتب شهری در فاصله سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۰ ه.ش موارد زیر قابل توجه است.

● نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران از یک نظام هماهنگ و متعادل برخوردار نیست.

● تمرکز بخش زیادی از جمعیت شهری ایران در تهران در ۳۵ سال گذشته، فاصله و شاخص آن نسبت به شهرهای مرتبه دوم کشور، نمایانگر یک کلان شهر و نمونه بارز شهر برتر، در قالب الگوی «نخست شهری» در نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران است و تمرکز بیش از حد جمعیت در آن،

جدول ۱ (رجوع شود).

استراتژی سیاست عدم تمرکز جمعیتی و متعادل سازی توزیع فضای جمعیت شهری کشور در سالهای آینده مدل مرتبه - اندازه می تواند از تمرکز ناحیه ای جمعیت و قطبی شدن آن جلوگیری کند.

۴) یافتن پتانسیلهای موجود در سیستم کنونی شهرهای کشور، به منظور متعادل سازی توزیع فضای جمعیت شهرهای آن و با تأیید بر تمرکز زدایی سیاسی - اقتصادی و اجتماعی تهران اقدامی منطقی و منصفانه و صرفه جویانه خواهد بود. (۸، ص ۷۸).

۵) ایجاد شهرکهای کوچک (به استثناء اهداف اقتصادی - صنعتی) چنانچه در شعاع عمل، جاذبه و حوزه نفوذ مراکز بزرگ شهری باشد، جزء افزایش جمعیت شهر مرکزی، وابستگی آنها به مرکز شهر منطقه، افزایش جمعیت شهری منطقه و بالاخره صرف هزینه ها و سرمایه گذارهای هنگفت جهت تأمین تأسیسات زیربنایی راه به جایی نخواهد برد.

۶) چون مسافرتها ی روزمره از روستاها به شهرهای متوسط و بزرگ دائماً افزایش یافته و روند مهاجرت ادامه خواهد یافت، درآینده نزدیک شهرهای فعلی به مراکز پرجمعیتی تبدیل خواهند شد، لذا وظیفه طراحان و برنامه ریزان شهری است تا از هم اکنون در فکر آینده باشند و قبل از این که به حصارهای سنگی برخورد کنند در مورد چاره کار بیاندیشند. □

منابع:

- 1) The Urban World J. John Palen, Mac Graw. Hill book Company, USA 1987, 482, P. 3.
- 2) United Nation Dept of Economic and Social Affairs Patterns of Urban and rural population Growth No 68, 1980.
- 3) مجدآبادی، اسماعیل، مهاجرتهای داخلی و میزان شهرنشین در قاره آسیا و آفریقا، نامه علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۲، جلد دوم، تابستان ۱۳۷۰، ص ۱۷۰.
- 4) Dennis A. Rondinelli Secondary cities in developing countries, sage publication 1985, pp 24 - 25.
- 5) رئیس دانایی، فریروز، کم توسعه گی اجتماعی و اقتصادی، تهران، نشر قطره، سال ۱۳۷۱، ص ۶.
- 6) نظریان، اصغر، نظام سلسله مراتبهای شهرهای ایران، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۱، تابستان ۷۳، ص ۶۷.
- 7) فرید، بلداس، جغرافیا و شهر شناسی، دانشگاه تبریز، چاپ دوم، ۱۳۷۱، ص ۴۸۸.
- 8) به فروز، فاطمه، تحلیلی نظری - تجریمی برای متعادل سازی توزیع فضایی جمعیت در سیستم شهرهای ایران، پژوهشهای جغرافیایی، شماره ۲۸، مؤسسه جغرافیا، سال بیست و چهارم، فروردین ۷۱، ص ۱۶.
- 9) وزارت کشور، دفتر برنامه ریزی عمرانی، سلسله مراتب شهری، گروه مطالعات برنامه ریزی شهری، ۱۳۷۲، ص ۷۲.
- 10) نظری، علی اصغر، جغرافیای جمعیت ایران، دانشگاه پیام نور، ۱۳۷۲، ص ۱۹۲.
- 11) نظریان، اصغر، جغرافیای شهری ایران، دانشگاه پیام نور، سال ۱۳۷۴، ص ۱۶۶.
- 12) زنجانی، حبیب الله، جمعیت و توسعه (مجموعه مقالات)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ پزن، ۱۳۷۲، ص ۲۴.

پاورقی:

- 1) Metropolitowntown
 - 2) Primate City
- ۳) در این سال به کلیه نقاطی که شهرداری داشته یا جمعیت آن ها حداقل ۵۰۰۰ نفر بوده است شهر گفته شده است.
- ۴) در سال ۱۳۵۵ ه. ش شهر مشهد ۶۶۷،۷۷۰، اصفهان ۶۶۱،۵۱۰ و تبریز ۵۹۷،۹۷۶ نفر جمعیت داشته است.
- ۵ - تعداد ۹ مرکز خالی از سکنه بوده است.

بدیهی است در این تغییرات سیاستهای اقتصادی در شهرهای گروه اول و سیاستهای اداری در شهرهای گروه دوم بی تأثیر نبوده است.

● افزایش تعداد و در نتیجه جمعیت شهرهای بزرگ به زیان شهرهای کوچک و متوسط بوده و تفاوتهای ناحیه ای را افزایش داده است.

● توزیع فضایی شهرهای ایران نشان می دهد که بین شهرهای بزرگ و کوچک از نظر کمی (تعداد جمعیت) و کیفی (نقش، کارکردی و حوزه نفوذ) تفاوت زیادی وجود دارد. به عنوان مثال نخست شهر ایران یعنی تهران به عنوان یک متروپلی چند میلیونی و بی رقیب با مرکزیت و کارکردهای متنوع و در سطحی بالا توانسته است تمامی کشور را در حوزه نفوذ سیاسی، اداری، اقتصادی و اجتماعی خود قرار دهد. (۸، ص ۵۵).

● توزیع جمعیت شهری ایران به نسبت تعداد مراکز شهری در سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۵ ه. ش متعادل نبوده و آشفته گی آن در هر آمارگیری بیشتر از دوره قبل است. در همین ارتباط ملاحظه می شود که ضریب جینی این توزیع از ۶۱ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۶ درصد در سال ۱۳۷۰ افزایش یافته و عدم تعادل آن بیشتر شده است (به نمودار ۱ رجوع شود).

● توزیع جغرافیایی و پراکندگی فضایی جمعیت و مراکز شهری در ایران بسیار نامتعادل است به گونه ای که در نیمه شرقی ۲۰ درصد و در نیمه جنوبی کشور ۲۱ درصد از جمعیت شهری ایران زندگی می کنند، استان تهران با ۲۷/۲ درصد بالاترین و چهارم حال و بختیاری با ۰/۸۷ درصد کمترین سهم را از جمعیت شهروشنین کشور به خود اختصاص داده اند. (۱۱، ص ۱۰۲) (به نگاره ۱ رجوع شود).

پیشنهادات

۱) هرگونه برنامه ریزی و تصمیم گیری در جهت سیاست تعادل بخشی به نظام شهری ایران باید براساس مطالعات دقیق جغرافیایی و یافتن راههای رشد، توسعه و جمعیت پذیری شهرهای کوچک و متوسط صورت گیرد تا ضمن نفوذ فرهنگ شهرنشین در این مراکز رابطه معقول و منطقی آنها را در یک نظام سیستمی با شهرهای بزرگ برقرار سازد. بدیهی است افزایش جمعیت پذیری این شهرها کلید اعجاز آمیز جلوگیری از رشد جمعیت شهرهای بزرگ تلقی می گردد. (۱۲). و به عبارت دیگر برنامه ریزی و سرمایه گذاری در سطوح پایین سلسله مراتب شهری از پلاریزاسیون در شهرهای بزرگ جلوگیری خواهد کرد.

۲) چون شهرهای کوچک و متوسط با روستاها بیشتر در ارتباط هستند و مهمترین مراکز خدمات رسانی آن ها محسوب می شوند، همچنین مسؤولین و مدیرتهای دولتی واقع در این شهرها بهتر با مسائل و مشکلات نواحی روستایی آشنا می باشند، توجه به رشد و توسعه این مراکز بطور جدی از رشد و گسترش شهرهای بزرگ و قطبی شدن آنها و ایجاد تضاد و دوگانگی اقتصادی در فضاهای شهری ایران خواهد کاست و در ایجاد تعادل منطقه ای و عدالت اجتماعی مؤثر خواهد بود.

۳) جهت پیشگیری از رشد بی رویه شهر تهران و در راستای